



مرکز تحقیقات اسلامی

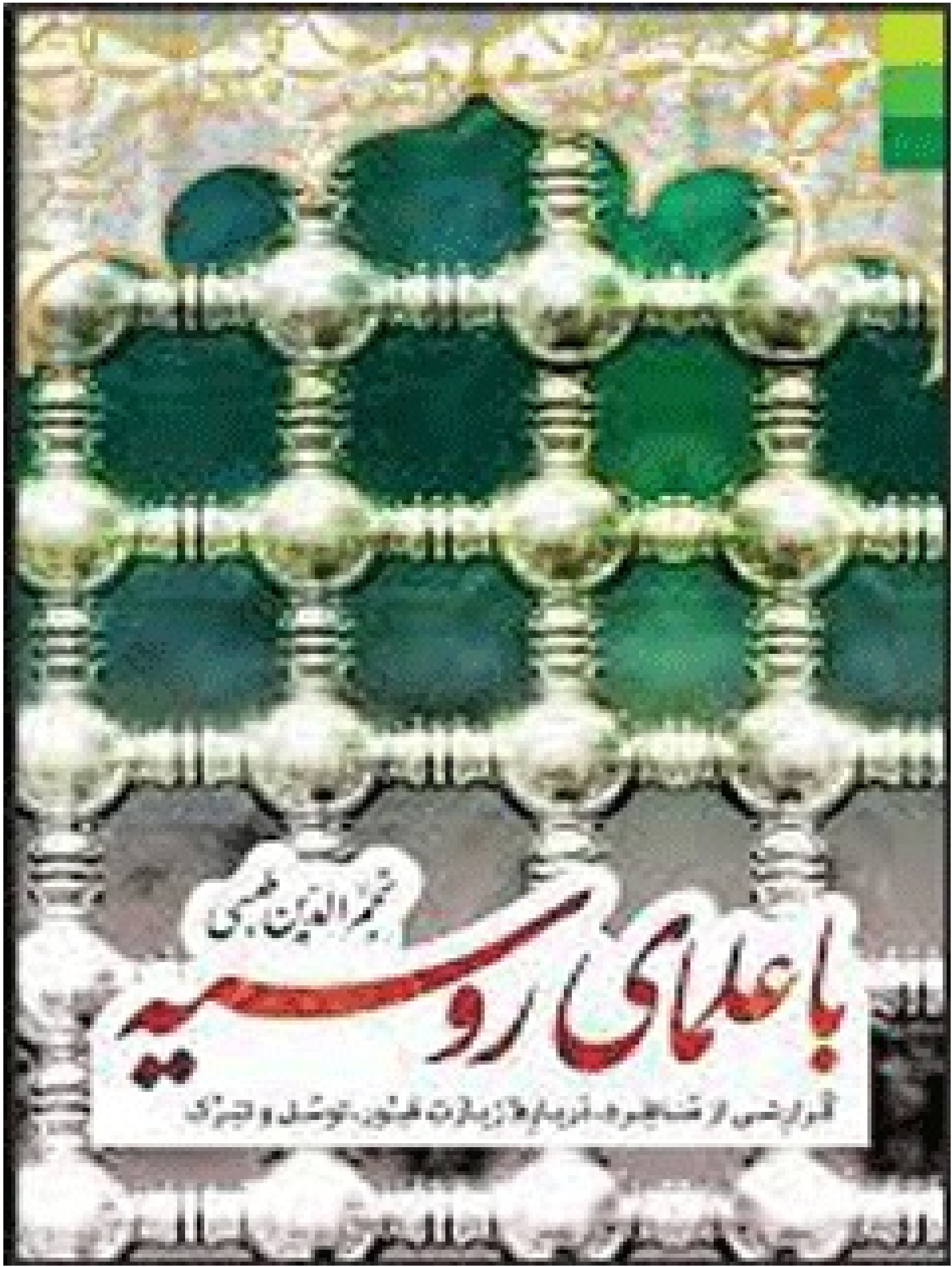
اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# ایمانی رو

گورنمنٹ ایجوکیشنل ڈیپارٹمنٹ، لاہور، پاکستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناظره آیت الله نجم الدین طبسی با عده ای از علمای اهل سنت روسیه

نویسنده:

نجم الدین طبسی

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	مناظره آیت الله نجم الدین طیبسی با عده ای از علمای اهل سنت روسیه
۷	مشخصات کتاب
۷	فهرست مطالب
۱۰	مقدمه مؤلف
۱۲	استناد به سیره ابن حبان در قرن سوم هجری
۱۳	استناد به سروده صحابه و تابعین در قرن اول هجری
۱۴	استناد به سیره مسلمانان در قرن سوم هجری
۱۶	استناد به سروره صحابه در سال ۱۱ هجری
۱۷	سؤال یکی از حاضران
۱۸	ارائه حدیث ثقلین از مهم ترین منابع اهل سنت
۲۰	اشکال یکی از حاضران به ماجرای ابن حبان و رفتن به زیارت قبر امام رضا علیه السلام
۲۰	پاسخ حضرت استاد
۲۱	استناد به سروره صحابه در زمان خلیفه سوم
۲۳	قرار دادن حدیث ﴿عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ﴾ در مقابل حدیث ثقلین
۲۳	پاسخ حضرت استاد
۲۴	کحلانی و حدیث ﴿عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ﴾
۲۴	ابن حزم و حدیث ﴿عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ﴾
۲۷	پذیرش توسل و تبرک و محدود کردن دایره جواز
۲۸	مقید و محدود کردن جواز توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم
۲۹	مقید و محدود کردن جواز توسل به زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
۳۰	مقید کردن جواز توسل و تبرک برای امور اخروی
۳۱	تغییر مسیر بحث توسط یکی از حاضران
۳۲	خاتمه بحث و مناظره

نکته اول: ----- ۳۲

نکته دوم: ----- ۳۲

کتابنامه ----- ۳۴

درباره مرکز ----- ۳۷

## مناظره آیت الله نجم الدین طبسی با عده ای از علمای اهل سنت روسیه

### مشخصات کتاب

سرشناسه : طبسی، نجم الدین، 1334 -

عنوان و نام پدیدآور : با علمای روسیه [کتاب] : گزارشی از مناظره درباره زیارت قبور، توسل و تبرک/نجم الدین طبسی.

مشخصات نشر : تهران: دلیل ما ، 1394.

مشخصات ظاهری : 56ص.؛ 5/14×5/21 س م.

شابک : 25000 ریال 7-960-397-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [51]-56؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : وهابیه -- مناظره ها

موضوع : وهابیه -- احادیث اهل سنت

موضوع : وهابیه -- دفاعیه ها

موضوع : شیعه -- دفاعیه ها و ردیه ها

رده بندی کنگره : 6/BP238/ط2ب2 1394

رده بندی دیویی : 297/527

شماره کتابشناسی ملی : 4035819

ص: 1

### فهرست مطالب

مقدمه مؤلف...3

استناد به سیره ابن حبان در قرن سوم هجری...5

استناد به سیره صحابه و تابعین در قرن اول هجری...6

استناد به سیره مسلمانان در قرن سوم هجری

استناد به سیره صحابه در سال 11 هجری

سؤال یکی از حاضران...10

ارائه حدیث ثقلین از مهم ترین منابع اهل سنت...11

اشکال یکی از حاضران به ماجرای ابن حبان و رفتن به زیارت قبر امام رضا علیه السلام...13

پاسخ حضرت استاد...13

استناد به سیره صحابه در زمان خلیفه سوم...14

قرار دادن حدیث (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ) در مقابل حدیث ثقلین...16

پاسخ حضرت استاد...16

کحلانی و حدیث (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ)...17

ابن حزم و حدیث (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ)...17

پذیرش توسل و تبرک و محدود کردن دایره جواز...19

مقید و محدود کردن جواز توسل به پیامبر...20

مقید و محدود کردن جواز توسل به زمان حیات رسول خدا...21

مقید کردن جواز توسل و تبرک برای امور اخروی...22

تغییر مسیر بحث توسط یکی از حاضران...23

خاتمه بحث و مناظره...24

نکته اول...24



نکته دوم...24

کتابنامه...26

ص: 2

بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه حاضر خلاصه یکی از بحث های جنجالی و بسیار مفید و مؤثری است که بین من و حدود شانزده نفر از علمای اهل سنت طرفدار وهابی ها اتفاق افتاد. این بحث تقریباً دو ساعت به طول انجامید و بعضی از افراد حاضر که تحصیل کرده سعودی بودند تلاش می کردند زیر بار نروند، لذا گاهی منکر اصل روایت می شدند و گاهی در سند آن خدشه می کردند و گاهی نیز به توجه و تأویل روایت دست می زدند؛ اما با توجه به مکان مناظره و حضور در کتابخانه و وجود منابع اصلی و کتاب های اهل سنت و ارائه فوری آن به حاضران، از اصرارشان برگشته و قانع می شدند و اعتراف کردند که ما این حقایق را ندیده بودیم و کسی با این صراحت و استدلال با ما سخن نگفته بود. جمع حاضر در پایان مناظره، تفکر وهابی را مردود و آن را بر خلاف اسلام و سیره صحابه و تابعین دانستند.

این مناظره اولین بحث ما نبوده، بلکه مناظرات علمی فراوانی با برادران اهل سنت و علمای آنان داشت، ولی به لحاظ سطح علمی حاضران، مبسوط بودن و استنادات و شواهد فراوان آن، پیشنهاد پیاده سازی و چاپ و نشر آن مطرح شد. مسئولیت این کار را به عهده فرزند عز عزم فاضل گرامی جناب حجت الاسلام حسن بلقان آبادی که یکی از حاضرین در جلسه بود و سی مناظره، شروع و پایان و مسائل مطرح شده در آن را از نزدیک مشاهده کرده بود، گذاشتم و الحمد لله با تلاش فراوان و با همکاری حجت الاسلام قاسم بیدار بخت، آن را به گونه ای که قابل استفاده عموم باشد، تحقیق و تنظیم نموده و در اختیار جویندگان حقیقت قرار می گیرد تا ان شاء الله جامعه ما با مسی حق آشنا شده و در آن مسری گام بردارد، به امید تبعیت و پیروی همه مسلمانان از کتاب خدا و اهل بیت پیامبر علیهم السلام.

نجم الدین طبسی

مؤسسه ولاء صدیقه کبری علیها السلام

1394/7/25 شمسی

ص: 3

با توجه به جایگاه علمی و تسلط حضرت استاد به مباحث اختلافی میان شریعه و اهل سنت و اطلاعاتی که درباره مباحث مربوط به جریان وهابیت دارند، هنگامی که علمای سایر کشور های اسلامی به ایران و شهر مقدس قم مسافرت می کنند از طرف برخی نهاد های مربوط با حوزه همانند امور بین الملل حوزه علمیه قم یا جامعه المصطفی با دفتر حضرت استاد تماس گرفته می شود و قرار ملاقاتی گذاشته می شود. روزی از سوی «جامعه المصطفی» با دفتر حضرت استاد تماس گرفته و گفتند: تعدادی از علمای اهل سنت و وهابی زده از کشور روسیه به قم آمده اند، اگر وقت دارید ملاقاتی بین شما و آنان صورت گیرد. حضرت استاد پذیرفتند و قرار بر این شد تا در تاریخ؟؟؟؟؟ ساعت 7 بعد از ظهر برای دیدار با حضرت استاد به دفتر ایشان بیایند.

علی رغم همه زحمات و مشکلاتی که برای پذیرش این تعداد در دفترشان «مؤسسه ولاء صدیقه کبری علیها السلام» وجود دارد، حضرت استاد همیشه تمایل و اصرار دارند این گونه دیدار ها در فضای کتابخانه صورت گیرد تا مهمانان خارجی حاضر در جلسه با فضای کتابخانه آشنا شوند و کتاب های موجود در کتابخانه را ببینند و متوجه شوند که حدود نصفی از کتاب های موجود در کتابخانه حضرت استاد مربوط به کتاب های اهل سنت است و تقریباً همه صحاح و سنن و شروح آن و کتاب های تراجم و رجال و تاریخ و مجموعه های حدیث اهل سنت در کتابخانه حضرت استاد و علمای شیعه موجود است. علمای شیعه بر خلاف بسیاری از علمای اهل سنت که از داشتن کتاب های شروع در کتابخانه های شان ترس و واهمه دارند، کتاب های اهل سنت را می خردند و آن را مطالعه می کنند و از مطالب مفید آن استفاده می کنند علاوه بر هدف ذکر شده، حضرت استاد اصرار دارند مطالبی که در رد وهابیت و تفکرات شان نقل می شود، به صورت مستقیم از منابع اهل سنت نقل شود و در همین دیدار ها وقتی مطلبی را به طور مستقیم از منابع آنان نقل می کنند و آن را به حاضرین و طرف مقابل نشان می دهند، حجت را بر خصم تمام کرده و جای هیچ گونه تردید و توجی باقی نمی گذارد.

در روز و ساعت مقرر مقداری شیرینی و شربت برای پذیرایی آماده کرده و منتظر حضور آنان بودیم. ساعت از هفت گذشته بود ولی هنوز مهمانان نیامده بودند. با مسئول مربوطه تماس گرفته شد و مشخص شد به علت ترافیک با حدود 15 دقیقه تأخیر می رسند. ساعت هفت و ربع بود که مهمانان به دفتر حضرت استاد رسیدند. وقتی وارد دفتر شدند به دلیل همراهی مترجم و فظم بردار و تعدادی دیگر از افراد، تعدادشان پیش از آن چه قبلاً گفته شده بود، به نظر رسید و ترس آن را داشتم که مکان و وسایل پذیرایی کم باشد، ولی بحث به قدری جالب و حساس شده بود که هنگام پذیرایی چیزی بر نداشتند و شرمنده مهمانان نشدیم.

شروع جلسه با یک شوخی از طرف استاد بود، چون از حدود 20 نفری که در جلسه حاضر بودند تعدادی عرب بلد بودند و تعدادی به زبان فارسی تسلط داشتند و تعدادی تنها با زبان روسی آشنا بودند و استاد با حالت شوخی فرمودند: من به چه زبانی باید صحبت کنم؟ قرار بر این شد که استاد به زبان فارسی صحبت کنند و مترجم به زبان روسی ترجمه کند.

استاد پس از حمد و ستایش خداوند و صلوات بر محمد مصطفی و خاندان گرامیش، سخنان شان را با تقدی و تشکر و خوش آمد گویی به مهمانان شروع کردند و به عنوان مقدمه بحث، به جایگاه اهل بیت علیهم السلام و سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره اهل بیت که وجه مشترک میان شریعه و اهل سنت هستند اشاره کرده و فرمودند:

شنیدم که دوستان عازم اصفهان هستند. در آن جا از نزدیک شاهد فرهنگ اصیل و شاهد خیلی از چیز هایی که در تاریخ شنیدید، خواهید بود. بعد هم عازم مشهد هستند. مشهد، جدای این که یک شهر بسیار زیبا و پشرفته و متمدن است، قبر شریف فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیز در آن جاست؛ و جالب این است که از قدیم تا الآن محل زیارت میلیون ها شیعه و سنی بوده است. این یعنی این که اهل بیت علیهم السلام نقطه مشترک بین تمام مسلمین بوده و هستند. همان چیزی که ترمذی با سند صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که آن حضرت فرمودند: (إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابُ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتٍ). (1) می خواهم عرض کنم اهل بیت علیهم السلام نقطه مشترک بن مسلمانان هستند. و مظهر این اشتراک، مشهد است. شیعه و سنی برای زیارت به این مکان شریف می آیند و این عمل، منحصر به امروز نیست، بلکه از صد ها سال قبل این سیره وجود داشته است.

### استناد به سیره ابن حبان در قرن سوم هجری

سخن به این جا که رسید حضرت استاد برای این که ادعا شان مسند باشد مطالب ابن حبان درباره امام رضا علیه السلام را از کتاب «الثقات» خواندند و فرمودند: ابن حبان از علمای بزرگ اهل سنت است و همه شما او را می شناسید. او متولد 275 هجری است و در سال 354 هجری وفات کرده است. یعنی تقریباً 1100 سال از زمان ابن حبان می گذرد. ابن حبان در کتاب «الثقات» می گوید: هر وقت مشکلی برایم پیش می آمد به

ص: 5

---

1- (إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابُ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي). سنن الترمذی: ص 678، کتاب المناقب، باب مناقب اهل بیت النبی صلی الله علیه و آله و سلم، ح 3786. (إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ، كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَلَنْ يَنْفَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، فَأَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهَا). سنن الترمذی: ص 679، کتاب المناقب، باب مناقب اهل بیت النبی صلی الله علیه و آله و سلم، ح 3788 و المسند: ج 3، ص 14، مسند أبي سعيد الخدري.

زیارت قبر امام رضا علیه السلام می رفت و دعا می کردم و مشکلم حل می شد و این را چندین بار تجربه کردم خدای مرا با محبت پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام برسان. (1)

وقتی حضرت استاد این عبارت و متن عربی ابن حبان را خواندند و مترجم برایشان ترجمه کرد، همگی بهت زده و متعجب شده و سکوت کرده بودند. یکی از حاضرین که به نظر می رسید اطلاع زیادی از شخصیت و جایگاه ابن حبان نزد اهل سنت نداشت و یا این که خودش را به نادانی زده بود و قصد کوچک جلوه دادن ابن حبان و کم اهمیت دادن عمل و رفتار او را داشت، درباره جایگاه و شخصیت ابن حبان پرسید. با اشاره و درخواست حضرت استاد کتاب «سیر أعلام النبلاء» ذهبی را آوردم و استاد برخی از عبارات ذهبی درباره ابن حبان را برایشان خواندند. شمس الدین ذهبی که از بزرگان اهل سنت در قرن هشتم است در وصف ابن حبان می گوید: «الإمامُ الْعَلَمَةُ الْحَافِظُ، شَيْخُ خُرَّاسَانَ، كَانَ ابْنُ حُبَّانٍ ثَقَّةً، نَبِيلاً، فَهَمًّا» (2)

استاد در ادامه سخنان شان و در راستای تکمیل استدلال خودشان فرمودند: ماجرای ابن حبان و رفتن به زیارت قبر امام رضا علیه السلام و درخواست حل مشکلاتش، در قرن سوم هجری اتفاق افتاده است و اهل سنت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت نقل می کنند که سه قرن اول بهترین قرن ها و کسانی که در سه قرن اول زندگی می کنند بهترین انسان ها هستند. (3) و ماجرای ابن حبان و رفتن به از کارت قبر امام رضا علیه السلام نیز در یکی از بهترین قرون و توسط بهترین افراد صورت گرفته است، اما الآن می گویند توسل شرک است و حرام است.

### استناد به سروده صحابه و تابعین در قرن اول هجری

پس از نقل مطالب ابن حبان، حضرت استاد مسعودی و کتابش مروج الذهب و معادن الجواهر را معرفی کرده و فرمودند: مسعودی از بزرگان علمای شافعی است. (4) او نویسنده کتاب مشهور و معروف «مروج و معادن الجواهر» است که تقریباً 1100 سال قبل یعنی در سال 346 هجری فوت کرده است. ایشان در کتابش توسل صحابه به قبر شریف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نقل می کند. او می گوید: «في سنة ثلاث و خمسين هلك زیاد

ص: 6

1- «قَبْرِهِ بَسْنَابَاذِ خَارِجِ النُّوْقَانِ مَسَّهُ هُوْرٌ يُزَارُ بِجَنْبِ قَبْرِ الرَّشِيْدِ قَدْ رُزِنُهُ مِرَارًا كَثِيْرَةً وَ مَا حَلَّتْ بِِي شِدَّةٌ فِي وَقْتِ مَقَامِي بِطُوْسٍ فَزَرْتُ قَبْرَ عَلِيٍّ بِنِ مُوسَى الرِّضَا صَ لَمَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيَّ جَدِّهِ وَ عَلَيْهِ وَ دَعَوْتُ اللّٰهَ اِزَالَتِهَا عَنِّي اِلَّا اسْتُجِيبَ لِي وَ زَالَتْ عَنِّي تِلْكَ الشِّدَّةُ وَ هَذَا شَيْءٌ جَرَّبْتُهُ مِرَارًا، فَوَجَدْتُهُ كَذَلِكَ، اَمَاتَنَا اللّٰهُ عَلَيَّ مَحَبَّةَ الْمُصَدِّقِ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ». الثَّقَاتُ: ج 8، ص 457، شَرْحُ حَالِ عَلِيٍّ بِنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

2- سیر أعلام النبلاء: ج 16، ص 92-94، شرح حال ابن حبان، ش 70

3- «خَيْرُكُمْ قَرَنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَدُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ». صحيح البخاري: ص 526، كتاب الشهادات، ح 2652، و ص 730، كتاب فضائل أصحاب النبي صلى الله عليه و آله و سلم، 3650 و 3651 و ص 1274 و 1275، كتاب الرقاق، ح 6428 و 6429

4- برای آشنایی بیشتر با شرح حال مسعودی به کتاب طبقات الشافعية الكبرى: ج 3، ص 456-457، شرح حال علی بن حسین مسعودی، ش 225، مراجعه شود

بن أبي... و قد كان كتب إلى معاوية أنه قد ضبط العراق بيمينه، و شماله فارغة فجمع لها لحجاز مع العراقيين. و اتصلت و لاته بأهل المدينة، فاجتمع الصغير و الكبير بمسجد رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و ضحوا إلى الله و لادوا بقبر النبي ثلاثة أيام، لعلمهم بما هو عليه من الظلم و العسف فخرجت في كفة بثره (1) ثم حكها ثم سرت و اسودت فصارت أكلة سوداء، فهلك بذلك». (2) در سال 53 هجری، معاوی زیاد بن ابی را به استانداری مدینه منصوب کرد، مردم مدینه چون از ظلم ها و جنایات زیاد بن ابی خبر داشتند وقتی خبر منصوب شدن زیاد بن ابی عنوان حاکم مدینه به گوش شان رسید، همگی (بزرگ و کوچک) در مسجد پیغمبر جمع شدند پناهنده شدند و به مدت سه روز به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و به آن حضرت متوسل شدند تا از شر او در امان بمانند.

حضرت استاد پس از خواندن عین متن عربی و ترجمه بخشی از آن، برای این که هیچ شبهه ای نماند و همه شک و تردید های حاصل از ترجمه مترجم از بین برود، از یکی از علمای اهل سنت حاضر در جلسه که کمی به زبان عربی و روسی تسلط داشت، خواستند تا عین عبارات مسعودی را برای سالی حضار ترجمه کنند؛ ولی متأسفانه در ترجمه عبارت «لاذوا بقبر النبي» تصرف کرد و اصرار داشت که بگوید: اهالی مدینه از خداوند خواستند تا مشکل شان را بر طرف نماید، ولی با اصرار استاد بر عبارت مسعودی که می گوید: «لاذوا بقبر النبي» عین عبارت مسعودی ترجمه شد. حضرت استاد در تصحیح و رد ترجمه صورت گرفته، فرمودند: خداوند در همه جا حاضر است و اگر قرار بود اهالی مدینه حل مشکل شان را از خداوند بخواهند، لازم نبود به مسجد پیغمبر و کنار قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بروند و به قبر آن حضرت پناهنده شوند، بلکه می توانستند در خانه های خودشان و یا در مساجد دیگر حل مشکل شان را از خداوند بخواهند.

حضرت استاد پس از نقل و توضیح عبارات ابن حبان و مسعودی، خطاب به حاضرین فرمودند: با توجه به آن چه در این کتاب ها موجود است معلوم می شود که مسأله توسل و استغاثه، پناه بردن به قبور و زیارت قبور جزء فرهنگ و سیره سلف بالأخص صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در قرن اول هجری بوده است.

### استناد به سیره مسلمانان در قرن سوم هجری

حضرت استاد برای این که حجت را بر همه حضار تمام کنند و همه شک و شبهه ها در جواز زیارت قبور و استغاثه و توسل و تبرک و پناهنده شدن به قبور را از اذهان پاک کنند، به مورد دیگری از سیره سلف درباره جواز این امور و عمل به این امور را ذکر کرده و فرمودند: می خواهم یک مورد جالب دیگر را که

ص: 7

1- البثرة خراج صغير يظهر بالجلد

2- مروج الذهب و معادن الجوهر: ج 3، ص 32، ذکر خلافة معاوية بن أبي سفيان، ذکر لمع من أخباره و سیره و نوادر من بعض أفعاله، موت زیاد

نشان می دهد راه و روش مسلمانان اعم از شریعه و سری با روش وهابیت فرق می کند، برای تان بخوانم. ابن حجر عسقلانی در کتاب «فتح الباری شرح صحیح البخاری» مطلب را در مورد تبرک مردم به خاک قبر بخاری نقل می کند او می گوید: وقت بخاری در سال 256 هجری وفات کرد و او را دفن کردند، مردم از خاک قبرش برای تبرک بر می داشتند. مردم به حدی از خاک قبر بخاری برداشتند که از ترس نمایان شدن بدن بخاری بر روی قبرش ضریح گذاشتیم. (1)

عین همین مطلب را سبکی یکی دیگر از علمای بزرگ شافعی در کتاب «طبقات الشافعی الکبری» و در شرح حال بخاری نقل کرده است. (2)

نکته جالب این ماجرا هم این است که در قرن سوم که طبق روایات موجود در کتب اهل سنت یکی از بهترین قرن ها می باشد صورت گرفته است.

حضرت استاد پس از نقل مطالب ابن حبان، مسعودی و ابن حجر عسقلانی فرمودند: مطالبی که برای تان نقل کردم از کتاب های معروف اهل سنت نقل شد و همه شما ابن حجر عسقلانی، ابن حبان، مسعودی و سبکی را می شناسید. همه این عالمان می گویند: زیارت قبور، توسل، تبرک و پناهنده شدن به قبور انبیاء و صلحاء از آموزه ها و سیره اهل سنت و سلف است و نشان می دهد توسل و تبرک بین صحابه و تابعین وجود داشته و این افراد در بهترین قرون و به ادعای خودتان جزو بهترین انسان ها هستند. کسانی که ادعا می کنند سلفی و تابع سلف هستند باید به عمل و سیره سلف پایبند و معتقد باشند و از آن تبعیت کنند.

حضرت استاد در پایان مباحث مقدماتی خودشان چند سوال مطرح کرده و خطاب به علمای اهل سنت حاضر در جلسه فرمودند آیا امروز می توانیم فرهنگ توسل و تبرک را در مکه و مدینه پیاده کنیم؟

آیا می توانیم سه روز کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توسل داشته باشیم؟

آیا می توانیم مقداری از خاک قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان تبرک برداریم؟

دو راه بیشتر وجود ندارد، اگر حرف و هابیت نجد و قصیم درست است، پس همه سلف حتی صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشرک هستند! و اگر مطالب ابن حبان، مسعودی، ابن حجر و سبکی درست است، پس روش

ص: 8

---

1- « وَ جَعَلَ النَّاسُ يَحْتَلِفُونَ إِلَى الْقَبْرِ أَيَّامًا يَأْخُذُونَ مِنْ تَرَابِهِ إِلَى أَنْ جَعَلْنَا عَلَيْهِ حَسَبًا مَشْبُكًا ». هَدْيُ السَّارِي مُقَدِّمَةٌ فَتَحَ الْبَارِي : ص 518 ، الْفَصْلُ الْعَاشِرُ فِي عَدِّ أَحَادِيثِ الْجَامِعِ ، شَرْحُ حَالِ ، بَخَارِي ، ذَكَرَ رُجُوعَهُ إِلَى بَخَارِي وَ مَا وَقَعَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَمِيرِهَا وَ مَا اتَّصَلَ بِذَلِكَ مِنْ وَفَاتِهِ

2- طبقات الشافعية الكبرى: ج 2، ص 234، شرح حال، بخاری، ذکر النبأ عن وفاته، ش 54

وہات غیر از دین اسلام و روش سلف است و نشان می دهد و هابی ها مسلمان نیستند؛ چون نمی شود این دو مطلب جمع کرد.

حضرت استاد با متذکر شدن مشکلات امروز دین اسلام، تفکر و هابیت را عامل این مشکلات دانست و فرمودند: امروز امت اسلام گرفتار همین تفکر و هابیت شده است. یمن را بمباران می کنند و هزاران نفر را می کشند، سوری را بمباران می کند و 10 میلیون سوری را آواره می کنند، در کشور عراق 3 میلیون آواره وجود دارد، چرا؟ چون به پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و اهل بیت علیہم السلام متوسل می شوند و «یا محمد» و «یا علی» می گویند.

## استناد به سرورہ صحابہ در سال 11 ہجری

وقتی بحث به این جا رسید حضرت استاد یاد مطلب مربوط به تاریخ طبری و شعار سپاہ صحابہ و تابعین در جنگ با مسیلمہ کذاب افتادہ و تاریخ طبری را از من خواستند. کتاب تاریخ طبری را برایشان حاضر کردم و استاد به نقل مطلب مربوطہ پرداختہ و فرمودند: طبری درباره سپاہی کہ ابو بکر برای جنگ با مسیلمہ کذاب فرستادہ بود، می نویسد: لشکر مسلمانان (کہ متشکل از صحابہ و تابعین بود) ہنگام حملہ، با شعار «یا محمد» بہ دشمن حملہ کردند. و بہ اصطلاح رمز عملیات مسلمانان در جنگ با مسیلمہ کذاب «یا محمد» بود. (1) اما و ہابی ہا می گویند: ہر کس «یا محمد»، «یا علی» و «یا حسین» بگوید مشرک است. (2)

[حال کہ سخن بہ این جا رسید بہ یاد مناظرہ جالب حضرت استاد با یکی از و ہابی ہای عربستان سعودی افتادم و بہ نظر ذکر بخشی از آن مناظرہ کہ مربوط بہ توسل بودہ خالی از لطف نباشد. حضرت استاد می فرمودند: در یکی از مسافرت ہایم بہ عربستان سعودی با یکی از علمای و ہابی قرار ملاقات و مناظرہ ای را گذاشتیم. بحث ما بہ توسل رسید. من گفتم: توسل از زمان صحابہ بودہ و صحابہ بہ پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم متوسل می شدند. عالم و ہابی گفت: توسل شرک است و اصلاً چنین چیزی امکان ندارد. گفتم کتاب «البدایۃ و النہایۃ» ابن کثیر را در کتابخانہ ات داری؟ گفت: آری. گفتم: جلد مربوط بہ حوادث سال 11 ہجری را برایم

ص: 9

1- «و کان شعار ہم یومئذ یا محمد» . تاریخ الأمم و الملوک : ج 2، ص 281، حوادث سال 11 ہجری، ذکر بقیۃ خبر مسیلمۃ الکذاب و قومہ من اهل الیمامۃ

2- «أنا من قبيلة تسكن في الحدود الشمالية و مختلطين نحن و قبائل من العراق و مذهبهم شيعة و ثنية يعبدون قبيلاً و يسمونها بالحسن و الحسين و علي و إذا قام أحدهم قال : يا علي، يا حسين. و قد خالطهم البعض من قبائلنا في النكاح و في كل الأحوال و قد و عظمتهم و لم يسمعوا و هم في القرايا و المناصب و أنا ما عندي أعظم بعلم و لكن إني أكره ذلك و لا أخالطهم و قد سمعت أن ذبحهم لا يؤكل و هؤلاء يأكلون ذبحهم و لم يتيقيدوا و نطلب من سماحتكم توضيح الواجب نحو ما ذكرنا . إذا كان الواقع كما ذكرت من دعائهم علياً و الحسن و الحسين و نحوهم فهم مشركون شركاً أكبر يخرج من ملة الإسلام، فلا يحل أن نزوجهم المسلمات و لا يحل لنا أن نتزوج من نسائهم و لا يحل لنا أن نأكل من ذبائحهم .. فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الإفتاء : ج 2، ص 373 حکم أكل ذبائح من يدعون الحسن و الحسين و علياً عند الشدائد السؤال الأول من الفتوى رقم 3008



بیاورید. جلد مربوطه را آوردند. کتاب را باز کردم و در حوادث سال یازده هجری توسل صحابه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در جنگ با مسیلمه کذاب به او نشان دادم. (1) عالم وهابی از دیدن مطلب تعجب کرد و کمی به فکر فرو رفت و پس از مدتی گفت: این مطلب ضعیف است گفتم: اول ادعا کردی چنین چیزی وجود ندارد، اما الان می گویی ضعیف است. گفتم: ابن کثیر شاگرد ابن تیمی است. اگر توسل را شرک و حرام می دانست حتی همین مطلب ضعیف را هم نباید در کتابش ذکر می کرد و نباید آن را به لشگر ابو بکر نسبت دهد. ]

## سؤال یکی از حاضران

هنوز سخنان حضرت استاد درباره توسل و تبرک تمام نشده بود که یکی از حاضرین در جلسه به استاد عرض کردند: اگر امکان دارد حدیث ثقلین را از صحیح بخاری و مسلم برای مان بخوان. برداشت من از تقاضای ایشان این بود که در میان اهل سنت به گونه ای تلقین می کنند که گویا همه مطالب باید از کتاب صحیح بخاری و مسلم نقل شود و هر مطلبی که در این دو کتاب نباشد، مطلب صحیح و درستی نیست و حال این که خود بخاری می گوید: بسیاری از روایات صحیح را به خاطر اختصار و طولانی نشدن، نقل نکردم. (2)

حضرت استاد در پاسخ ایشان فرمودند: بخاری حدیث ثقلین را نقل نکرده، اما در صحیح مسلم، سنن ترمذی و مسند احمد بن حنبل وجود دارد. اگر کمی صبر و تحمل داشته باشید حتما حدیث ثقلین را از کتاب های مذکور برای تان نقل خواهم کرد.

حضرت استاد به سخنان شان درباره تبرک و توسل را ادامه داده و روایت جالبی را از صحیح مسلم برای حاضرین در جلسه خوانده و باعث بهت همگی آنان شده و فرمودند: مسلم در کتاب صحیحش به نقل از اسماء خواهر عایشه می گوید: قبای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از رحلتش نزد عایشه بود، هنگامی که عایشه از دنیا

ص: 10

1- البداية و النهاية : ج 6، ص 329، حوادث سال 11 هجری، مقتل مسیلمه الكذاب

2- «لم أخرج في هذا الكتاب إلا صحيحاً و ما تركت من الصحيح كان أكثر». «قال الإسماعيلي : لأنه لو أخرج كل صحيح عنده لجمع في الباب الواحد حديث جماعة من الصحابة و لذكر طريق كل واحد منهم إذا صحت فيصير كتاباً كبيراً جداً». هدي الساري مقدمة فتح الباري : ص 9، كيف ألف البخاري كتابه الصحيح. «قال ابراهيم (بن معقل الثقفي) و سمعته يقول : ما أدخلت في كتابي الجامع إلا ما صح و تركت من الصحاح الحال الطول». تهذيب الكمال في أسماء الرجال: ج 16، ص 91، شرح حال، بخاری ش 5646 و تهذيب التهذيب : ج 9، ص 42، شرح حال محمد بن اسماعيل بخاری ش 53

رفت من قبا را گرفتم. هر گاه شخصی مریض می شد قبای پیامبر را داخل ظرفی می گذاشتیم و روی آن آب می ریختیم و آن آب را به عنوان داروی شفابخش به مریض ها می دادیم. (1)

حضرت استاد در توضیح و تبیین روایت مسلم فرمودند: اسماء در سال 73 هجری از دنیا رفته است. (2) در روایت مسلم تعنی «تَشْفَى» دارد، یعنی طلب شفا از قبای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با توجه به وفات اسماء در سال 73 هجری معلوم می شود که قبای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حدود 60 سال بعد از رحلت آن حضرت برای طلب شفای مریض ها توسط عایشه و خواهرش اسماء مورد استفاده قرار می گرفته است.

نووی یکی از مهم ترین شارحان صحیح مسلم در شرح همین روایت می نویسد: این روایت نشان می دهد که تبرک به لباس ها و آثار صالحین، امری مستحب و جایز است. (3)

حضرت استاد پس از نقل مطلب مربوط به قبای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باز هم حاضر من را خطاب قرار داده و پرسیدند: ای اهل فکر! آیا امروز در مکه و مدینه می شود چنین کاری را انجام داد؟

یکی از حاضرین در پاسخ سؤال حضرت استاد به شوخی عرض کرد: در روسیه مکانی وجود دارد که توسل و تبرک و این اعمال را در آن جا می شود انجام داد.

اما یکی دیگر از علمای حاضر در جلسه که سخنش کمی جدی به نظر می رسید، عرض کرد امروزه قبای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وجود ندارد تا بتوان از آن برای استشفاء و درمان مرتضی ها استفاده کرد. برداشت من از سخن او این بود که اصل استشفاء به قبا و آثار به جا مانده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را قبول دارد.

حضرت استاد در پاسخ نفر دوم فرمودند: سخن درباره خصوص قبای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست تا بگویند قبل از بین رفته و وجود ندارد و الا طلب شفا از قبای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را قبول داریم بلکه سخن درباره تفکر و هابیت است که چنین اعمالی را حرام می داند.

## ارائه حدیث ثقلین از مهم ترین منابع اهل سنت

ص: 11

1- «... هذه جُبَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأُخْرِجَتْ إِلَيَّ جُبَّةً طَيَّالَسَةً كَسَرَوَانِيَّةً لَهَا لِبْنَةُ دِيْبَاجٍ وَفَرَجِيهَا مَكْفُوفِينَ بِالْدِيْبَاجِ، فَقَالَتْ: هَذِهِ كَانَتْ عِنْدَ عَائِشَةَ حَتَّى قَبِضْتُ فَلَمَّا قَبِضْتُ قَبِضْتُهَا وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَلْبَسُهَا، فَتَحْنُ نَغْسِلُهَا لِلْمَرْضَى تُسْتَشْفَى [يُسْتَشْفَى] بِهَا». صحیح مسلم: ص 980، کتاب اللباس و الزينه، باب 1، تحريم لبس الحرير وغير ذلك للرجال، ح 10/2069/5376

2- برای آشنایی بیشتر با شرح حال اسماء دختر ابو بکر به کتاب سیر اعلام النبلاء: ج 2، ص 287-296، ش 52، مراجعه شود

3- «وفي هذا الحديث دليل على استحباب التبرك بأثار الصالحين و ثيابهم». المنهاج في شرح صحیح مسلم بن الحجاج: ج 5، ص 237، کتاب اللباس و الزينه، باب تحريم الذهب و الحرير على الرجال و إباحته للنساء، شرح حدیث 2069/10

هنگامی که سخنان حضرت استاد درباره زیارت قبور، توسل، تبرک و طلب شفاء تمام شد، مطابق قولی که به یکی از حاضرین در جلسه داده بودند، به نقل حدیث ثقلین از صحیح مسلم و سنن ترمذی و مسند احمد بن حنبل پرداخته و فرمودند:

مسلم بن حجاج نیشابوری حدیث ثقلین را این گونه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده: «... أنا تارك فيكم ثقلين أولهما كتاب الله فيه الهدى والنور، فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به، فحث على كتاب الله ورغب فيه. ثم قال: وأهل بيتي أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي، أذكركم الله في أهل بيتي...» (1).

احمد بن حنبل نیز به نقل از ابو سعید خدری می نویسد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: (إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ، كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ). (2).

و ترمذی در کتاب معروف سنن ترمذی در بحث مناقب اهل بیت علیهم السلام از قول جابر بن عبد الله می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را هنگام حج و در روز عرفه دیدم که بر شتر مخصوص خود سوار بود و خطبه می خواند، شنیدم که می فرمود: (يا أيها الناس! إنِّي قد تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا، كتاب الله وعترتي أهل بيتي). (3).

حضرت استاد وقتی حدیث ثقلین را از کتاب های مذکور خواندند، در راستای تکمیل استدلال و هدایت حاضران به سوی اهل بیت علیهم السلام، سؤالی را مطرح کرده و فرمودند:

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را چه کسی باید تعیین و مشخص و به مردم معرفی کند؟ خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا شخص دیگر؟ اهل بیت شما را باید مشخص و معرفی کنید یا من؟ من اهل بیت شما را بهتر می شناسم یا خودتان؟

حضرت استاد برای دادن پاسخ به سؤالی که مطرح کرده بودند، کتاب «سیر أعلام النبلاء» ذهبی را خواستند و من نیز فوراً حاضر کردم. استاد با توجه به مطلبی که ذهبی نقل کرده، فرمودند: مسلم است که کسی بهتر از خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی تواند اهل بیتش را معرفی نماید. لذا ذهنی می گوید: روایت صحیح داریم که پیامبر

ص: 12

1- صحیح مسلم: ص 1113، کتاب فضائل الصحابة، باب من فضائل علي بن أبي طالب، ح 36/24076175

2- المسند: ج 3، ص 14، مسند أبي سعيد الخدري

3- سنن الترمذی: ص 678، کتاب المناقب، باب 32، مناقب أهل بيت النبي، ح 3786

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را در زیر کسا و عبایی جمع نموده و فرمودند: (اللهم هؤلاء أهل بيتي... (1)

حضرت استاد مباحث مقدماتی خودشان را در دو نکته خلاصه کردند و فرمودند:

نکته اول: سلف و صحابه و تابعین زیارت قبور، توسل و تبرک را جایز می دانست و عمل می کرد، اما امروزه عده ای پیدا شده اند و این اعمال را شرک و حرام می دانند و این جریان، جریان اسلامی نیست. وظیفه شما علماست که مردم را آگاه کنید.

نکته دوم: این که از اهل بیت علیهم السلام منحرف شده ایم و باید به سمت اهل بیت علیهم السلام برگردیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مسلمانان را به سوی قرآن و اهل بیت خودش دعوت کرده و تمسک همزمان به قرآن و اهل بیت علیهم السلام را ضامن هدایت و گمراه نشدن مسلمانان قرار داده است. مهم ترین گمشده امروز مسلمانان، اهل بیت پیامبر هستند. تمسک به اهل بیت علیهم السلام یعنی عمل به رهنمود های اهل بیت، کما این که تمسک به قرآن یعنی عمل به دستورات قرآن. صرف محبت اهل بیت کافی نیست، بلکه باید به روایات، فقه و اخلاق اهل بیت علیهم السلام عمل کنیم.

### اشکال یکی از حاضران به ماجرای ابن حبان و رفتن به زیارت قبر امام رضا علیه السلام

پس از پایان یافتن سخنان مقدماتی حضرت استاد، پرسش و پاسخ درباره مطالب نقل شده شروع شد و یکی از حاضرین در جلسه درباره مطلبی که حضرت استاد از ابن حبان نقل کردند، اشکالی داشته و عرض کرد: ابن حبان می گوید: «دعوتُ الله» یعنی از خدا خواستم تا مشکلم را حل کند، نه امام رضا، و درخواست از خداوند بهتر است.

### پاسخ حضرت استاد

حضرت استاد در پاسخ به سؤال مطرح شده فرمودند:

اولاً: خداوند در همه جا حضور دارد، چرا ابن حبان برای حل مشکلاتش، کنار قبر امام رضا علیه السلام می رود و از خداوند درخواست می نماید؟ معلوم می شود کنار قبر امام رضا علیه السلام ویژگی و موضوعیت دارد که ابن حبان

ص: 13

---

1- «و صحَّ أنَّ النبيَّ صلی الله علیه و آله و سلم جلال فاطمة و زوجها و ابنيهما بكساء و قال: اللهم هؤلاء أهل بيتي، اللهم فلذهب عنهم الرجس و طهَّرتهم تطهيراً». سير أعلام النبلاء: ج 2، ص 123، شرح حال حضرت فاطمه علیها السلام، ش 18

کراراً به آن جا رفته است. اگر کنار قبر امام رضا علیه السلام مدخلیت و موضوعیت ندارد، چرا در خانه خودش و یا مسجد نزدیک خانه اش حل مشکلاتش را از خدا نمی خواهد؟

ثانیا: ما هم قبول داریم که درخواست از خداوند بهتر است و ابن حبان در کنار قبر امام رضا علیه السلام از خداوند درخواست کرد و معتقدیم هم می شود به طور مستقیم از خداوند درخواست کرد و هم کنار قبر امام رضا علیه السلام رفت و ایشان را واسطه قرار داد؛ پس هر دو عمل جایز هست ولی آیا الآن در مکه و یا مدینه می شود این کار را کرد؟ آیا آنان این عمل را جایز می دانند؟ نه تنها جایز نمی دانند، بلکه حرام می دانند.

درگیری مسلمانان با وهابیان در افضلیت این عمل نیست، بلکه سخن در جواز و تحریم است. همه مسلمانان رفتن به زیارت قبور و واسطه قرار دادن آنان و متوسل شدن به صاحبان قبور را جایز می دانند، اما وهابیان چنین اعمالی را حرام می دانند.

ثالثا: در سیره و رفتار صحابه و تابعین مواردی را داریم که حل مشکلات شان را از غیر خدا (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از رحلت شان) خواسته اند. من از کتاب های شما به یک مورد اشاره می کنم تا معلوم شود که حل مشکلات را از غیر خدا هم می شود درخواست کرد.

### استناد به سروره صحابه در زمان خلیفه سوم

طبرانی متوفای 260 هجری در کتاب «المعجم الکبیر» واقعه جالبی را در همین رابطه از یکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نام عثمان بن حروف نقل کرده است. ماجرا از این قرار است که در زمان خلیفه سوم و حدود بیست سال پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شخصی برای حل مشکلش تصمیم داشت نزد خلیفه سوم برود، ولی خلیفه جواب رد می داد و اجازه ملاقات نمی داد. آن شخص نزد عثمان بن حنیف صحابی ماجرا را برایش تعریف کرد. عثمان بن حنیف به او گفت: وضو بگیر و برو کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دو رکعت نماز بخوان و سپس این دعا را بخوان: «اللهم إني أسئلك و أتوجه إليك بنبينا محمد نبي الرحمة، يا محمد! إني أتوجه بك إلى ربي فتقضي لي حاجتي...» شخص گرفتار، به سفارش عثمان بن حنیف عمل کرد و وضو گرفت و کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفت و دو رکعت نماز خواند و سپس دعایی را که عثمان بن حنیف یاد داده بود، خواند و به سمت خانه خلیفه سوم راه افتاد. همین که نزدیک خانه خلیفه سوم رسید، دربان خانه خلیفه دستش را گرفت و داخل خانه برد و در کنار خلیفه بر روی تشک نشانید. خلیفه سوم از آن شخص معذرت خواهی کرد و گفت: تو را فراموش کرده بودم و همین الآن یادم آمد و سپس پرسید مشکل چیست؟ آن شخص مشکلش را بیان کرد و خلیفه دستور رسیدگی داد و مشکلش حل شد و

حاجتش بر آورده شد و از خانه خلیفه سوم بیرون آمد. در مسیر راه با عثمان بن حنیف مواجه شد. او که فکر می کرد عثمان بن حنیف وساطت کرده و سفارش او را نزد خلیفه سوم کرده، از عثمان بن حنیف به خاطر وساطت و کمکی که کرده بود، تشکر کرد و گفت: اگر درباره من و مشکلم پیش خلیفه وساطت نمی کردی، خلیفه به من و مشکلم توجه نمی کرد.

عثمان بن حنیف گفت: من هیچ وساطتی بین تو و خلیفه انجام نداده و سفارشی نکرده ام، بلکه اثر همان دعایی بود که به تو یاد دادم، زیرا روزی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حاضر بودیم. شخص نابینایی خدمت آن حضرت آمد و از مشکلات نابینایی اش گفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را به صبر توصیه کردند، اما آن فرد نابینا گفت: من تنها هستم و کسی را ندارم که دستم بگیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آن مرد نابینا گفتند: وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان و سپس هم این دعا را به او یاد دادند. هنوز لحظاتی نگذشته بود که همان مرد نابینا در حالی که کاملاً بینا شده بود، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برگشت. (1)

این ماجرا به خوبی نشان می دهد که توسل به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را خود پیامبر به صحابه آموخته است و برای حل شدن مشکلات می توان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم متوسل شده و آن حضرت را واسطه قرار داد. و صحابه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم متوسل شده اند. اما ابن تیمیه که حدود 700 سال پس از دوران صحابه به دنیا آمده، می گوید: هر کس نزد قبور انبیاء و صالحان برود و حوائجش را نزد آنان مطرح کند و حل مشکلاتش را از صاحبان قبور بخواهد مشرک است و باید توبه کند و الا باید کشته شود. (2)

ص: 15

1- «أن رجلاً كان يختلف إلى عثمان بن عفان في حاجة له، فكان عثمان لا يلتفت إليه ولا ينظر في حاجته، فلقي ابن حنيفة فشكى ذلك إليه، فقال له عثمان بن حنيف: إئت الميضرأة فتوضاً ثم إئت المسجد فصل فيه ركعتين ثم قل: اللهم إني أسألك وأتوجه إليك بنينا محمد نبي الرحمة يا محمد! إني أتوجه بك إلى ربي فتقضي لي حاجتي و تذكر حاجتك... فلنطلق الرجل، فصنع ما قال له، ثم أتى باب عثمان بن عفان، فجاء البواب حتى أخذ بيده، فأدخله على عثمان بن عفان، فأجلسه معه على الطنفسة، فقال: حاجتك؟ فذكر حاجته وقضاها له، ثم قال له: ما ذكرت حاجتك حتى كان الساعة وقال ما كانت لك من حاجة فأذكرها، ثم إن الرجل خرج من عنده، فلقي عثمان بن حنيف، فقال له: جزاك الله خيراً! ما كان ينظر في حاجتي ولا يلتفت إلي حتى كلمته في. فقال عثمان بن حنيف: والله ما كلمته، ولكنني شهدت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وأتاه، ضيرير فشكى إليه ذهاب بصره، فقال له النبي صلى الله عليه وآله وسلم فتصبر. فقال: يا رسول الله! ليس لي قائد وقد شق علي. فقال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: إئت الميضرأة فتوضاً ثم صل ركعتين، ثم ادع بهذه الدعوات. قال ابن حنيف: فوالله ما تقرقنا وطال بنا الحديث حتى دخل علينا الرجل كأنه لم يكن به ضرر قط». المعجم الكبير: ج 9، ص 30 - 31، ح 8310، ما أسند عثمان بن حنيف

2- «من يأتي إلى قبر نبي أو صالح و يسأله حاجته و يستنجده، مثل أن يسأله أن يزي مرضه، أو مرض دوابه أو يقضي دينه، أو ينتقم له من عدوه، أو يعافي نفسه و أهله و دوابه و نحو ذلك مما لا يقدر عليه إلا الله عزّ وجلّ، فهذا شرك صريح، يجب أن يستتاب صاحبه، فإن تاب و إلا قتل» و «قال كثير من قال كثير من ضلال: هذا أقرب إلى الله مني و أنا بعيد من الله لا يمكنني أن أدعوه إلا بهذه الوساطة و نحو ذلك من أقوال المشركين.. زيارة القبور و الإستنجاد بالمقبور: ص 17 و 21، حكم من يأتي إلى قبر نبي أو صالح و يسأله و يستنجد به

وهابیان می گویند: شیعه مشرک است و از دین اسلام خارج است، ازدواج با دختران شیعیان جایز نیست دختران تان را نیز به پسران شیعه ندهید و اگر چنین ازدواجی صورت بگیرد عقد ازدواج باطل است، شیعیان به اهل بیت علیهم السلام متوسل می شوند و «یا علی» و «یا حسن» می گویند. (1)

حضرت استاد پس از پاسخ دادن به سؤال مطرح شده، دوباره علمای حاضر در جلسه را به وحدت بین شیعه و سنی و گفتن حقائق و دفاع از اسلام اصیل و آموزه های آن دعوت کرده و فرمودند: ما از امثال شما توقع داریم که حقائق را به مردم بگویید. ما امروز نیاز به وحدت اسلام داریم. دشمن همه ما مشترک است. دیدید چه بلایی سر غزه آورد؟ مگر غزه شریعه است؟ مگر سوریه شیعه است؟ دشمنان اسلام با محمد صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن و امت اسلام مخالفند.

### قرار دادن حدیث (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ) در مقابل حدیث ثقلین

با توجه به مباحثی که حضرت استاد درباره حدیث ثقلین نقل کرده و امت اسلامی و علمای اهل سنت را به رجوع و تمسک به اهل بیت علیهم السلام دعوت کرده بودند، یکی از حاضرین در جلسه حدیث (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ) (2) را مطرح کرده و گفتند: رسول خدا مسلمانان را به پیروی از سنت خلفاء سفارش کرده اند.

### پاسخ حضرت استاد

حضرت استاد در پاسخ فرمودند: حدیث (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ) علاوه بر اشکال سندی از نظر دلالتی نیز اشکال دارد. حضرت استاد در توضیح و تبیین اشکال دلالتی از شخصی که حدیث را مطرح کرده پرسیدند: آیا سنت خلفای راشدین چیزی غیر از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؟ یا همان سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مطابق با سنت آن حضرت است؟ سنت خلفای راشدین اگر با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متفاوت و متغایر است! در این صورت معنی ندارد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ما را به چیزی که با سنتش متغایر است، سفارش کرده باشد. و اگر سنت خلفای راشدین همان سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و فرقی با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ندارد، باز هم

ص: 16

1- « لَا يَجُوزُ تَرْوِيجُ بَنَاتِ أَهْلِ السُّنَّةِ مِنْ أَبْنَاءِ الشَّيْعَةِ وَلَا مِنْ الشَّيْعِيِّينَ وَإِذَا وَقَعَ النِّكَاحُ فَهُوَ بَاطِلٌ ، لِأَنَّ الْمَعْرُوفَ عَنِ الشَّيْعَةِ دُعَاءُ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ الْإِسْمَ تَعَاثُةً بِهِمْ وَ ذَلِكَ شِرْكٌ أَكْبَرٌ » . فَتَاوَى اللّٰجِنَةِ الدَّائِمَةِ لِلْبَحْثِ الْعِلْمِيَّةِ وَ الْإِفْتَاءِ : ج 18 ، ص 299 ، كِتَابُ النِّكَاحِ (1) فَتَوَايَ شَمَارَه 2001

2- (فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الْمَهْدِيِّينَ الرَّاشِدِينَ . . .) سُنَنِ أَبِي دَاوُدَ : ص 535 ، كِتَابُ السُّنَّةِ ، بَابُ 66 فِي لُزُومِ السُّنَّةِ ، ح 4607 وَ الْمُسْنَدُ : ج 4 ، ص 126 ، حَدِيثُ الْعَرَبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ .

سفارش به سنت خلفای راشدین معنی و اثر خاصی ندارد. علمای اهل سنت در سند و دلالت این حدیث مناقشه کرده اند.

[در راستای تکمیل بحث حضرت استاد به بخشی از سخنان محمد بن اسماعیل کحلانی و ابن حزم اندلسی در نقد حدیث (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ) اشاره می شود.

### کحلانی و حدیث (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ)

محمد بن اسماعیل کحلانی صنعانی درباره حدیث (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ) می نویسد: احمد بن حنبل، ابو داود سجستانی و ابن ماجه قزوینی روایت (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ) را نقل کرده اند. ترمذی حدیث مذکور را نقل کرده و سند آن را صحیح دانسته است. حاکم نیشابوری نیز معتقد است روایت مورد بحث، شرایط صحت نزد بخاری و مسلم را دارد. روایت (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ) هر چند از طرق مختلفی نقل شده است اما همه طرق موجود دارای اشکالاتی هستند. (1)

### ابن حزم و حدیث (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ)

ابن حزم اندلسی در نقد حدیث (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ) می نویسد: خلفا اختلافات فراوانی با یک دیگر داشته اند و عمل کردن به سنت های همه آنان محال است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مسلمانان را به امر محال دستور نمی دهد. در رابطه با (عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَ سُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ) سه راه بیشتر نداریم:

1. در اموری که خلفا با هم اختلاف دارند به نظرات و آراء اختلاف دارند به نظرات و آراء همه خلفا عمل کنیم. این امر محال است و امکان ندارد؛ زیرا عمل به دو امر متضاد امکان ندارد. مثلاً در مسأله «ارث پدر بزرگ با حضور برادران میت» چگونه امکان دارد هم به قول ابو بکر و عایشه عمل کنیم و هم به قول عمر و هم به قول علی. اگر بخواهیم به قول ابو بکر و عایشه عمل کنیم باید همه ارث را به پدر بزرگ بدهیم و برادران میت را از ارث محروم کنیم. اگر بخواهیم به قول عمر عمل کنیم باید ثلث اموال را به پدر بزرگ داده و باقی اموال را به برادران میت بدهیم. اگر بخواهیم به قول حضرت علی علیه السلام عمل کنیم سدس اموال به پدر بزرگ می رسد و باقی اموال را باید به برادران میت بدهیم. چگونه امکان دارد به سنتها و همه اقوال خلفا عمل کنیم؟

ص: 17

1- «و أما حدیث علیکم بسنتی و سنة الخلفاء ... له طرق فیها مقال الا آتته یقوی بعضها بعضاً، فإنه لیس المراد بسنة الخلفاء الراشدين إلا طریقتهم الموافقة لطریقه من جهاد الأعداء و تقوية شعائر الدين و نحوها». سبل السلام: ج 2، ص 11، باب صلاة التطوع قیام شهر رمضان و تحفة الا خودی بشرح جامع الترمذی: ج 3، ص 69، کتاب الصلاة، أبواب الجمعة، باب 372 ما جاء في أذان الجمعة، ذیل حدیث 516، به نقل از کحلانی صاحب سبل الاسلام



2. در مواردی که خلفا با هم اختلاف دارند ما مجاز و مختار باشیم به اقوال و نظرات هر کدام از خلفا که می خواهیم عمل کنیم این صورت هم درست نیست؛ زیرا باعث خروج از اسلام می شود. معنا و مفاد این صورت این است که دین خدا به ما موکول شده است و همه مسلمانان حق دارند هر چیزی را که می خواهند حرام یا حلال کنند و در نتیجه امکان دارد چیزی را که برخی از مسلمانان حرام می دانند عده ای دیگر حلال بدانند. آیات (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) (1)، (تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا) (2) و (وَلَا تَنْزَعُوا) (3) نیز با این صورت سازگار نیست و بطلان آن را نشان می دهد؛ زیرا مطابق این آیات آن چه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حرام بوده تا روز قیامت حرام خواهد بود و آن چه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم واجب بوده تا روز قیامت واجب خواهد بود و آن چه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حلال بوده تا روز قیامت حلال خواهد بود.

اشکال دیگری که متوجه این صورت است این است که اگر مختار باشیم به اقوال و رفتار هر خلیفه ای که دوست داریم عمل کنیم و اقوال و رفتار سایر خلفا را کنار بگذاریم با مفاد روایت «علیکم بسنتی و سنة الخلفاء الراشدين» مخالفت کرده ایم؛ زیرا به اقوال و رفتار و سنت های برخی از خلفا عمل نکرده ایم و از آنان تبعیت نکرده ایم. با توجه به اشکالاتی که صورت اول و دوم دارد چاره ای جز پذیرفتن صورت سوم نداریم.

3. صورت سوم این است که تنها در مواردی که همه خلفا و صحابه با هم اتفاق نظر دارند به آراء و نظرات شان عمل کنیم. (4) ]

ص: 18

1- سوره مائده (5) آیه 3

2- سوره بقره (2)، آیه 229

3- سوره انفال (8)، آیه 46

4- «و أما قوله : علیکم بسنتی و سنة الخلفاء الراشدين، فقد علمنا أنه لا یأمر بما لا یقدر علیه، و وجدنا الخلفاء الراشدين بعده قد اختلفوا اختلافاً شدیداً، فلا بد من أحد ثلاثة أوجه لا رابع لها : إما أن نأخذ بكل ما اختلفوا فيه و هذا ما لاسبیل إليه و لا یقدر علیه، إذ فيه الشيء و ضده و لاسبیل إلى أن یورث أحد الجد دون الإخوة بقول أبي بكر و عائشة و یورثه الثلث فقط و باقي ذلك للإخوة علی قول عمر و یورثه السدس و باقيه للإخوة علی مذهب علي و هكذا في كل ما اختلفوا فيه، فبطل هذا الوجه، لأنه ليس في استطاعة الناس أن يفعلوه فهذه وجه. أو یكون مباحاً لنا بأن نأخذ بأي ذلك شيئاً و هذا خروج عن الاسلام، لأنه یوجب أن یكون دین الله تعالی موکولاً إلى اختیارنا، فیحرم كل واحد منا ما یشاء و یحل ما یشاء و یحرم أحدنا ما یحلّه الآخر و قول الله تعالی : (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) و قوله تعالی : (تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا) و قوله تعالی : (وَلَا تَنْزَعُوا) یبطل هذا الوجه الفاسد و یوجب أن ما كان حراماً حينئذ فهو حرام إلى يوم القيامة و ما كان واجباً یومئذ فهو واجب إلى يوم القيامة و ما كان حلالاً یومئذ فهو حال إلى يوم القيامة و أيضاً فلو كان هذا لکننا إذا أخذنا بقول الواحد منهم فقد تركنا قول الآخر منهم و لابد من ذلك، فلسنا حينئذ متبعين لسنتهم، فقد حصلنا في خلاف الحديث المذكور و حصلوا فيه شأؤوا أو أبوا و لقد أذکرنا هذا مفتياً کان عندنا بالأندلس و کان جاهلاً فكانت عادته أن یقدمه رجلاں کان مدار الفتيا علیهما في ذلك الوقت، فكان یکتب تحت فتیاهما : أقول بما قاله الشیخان. فقضری أن ذینک الشیخین اختلفا، فلما کتب تحت فتیاهما ما ذکرنا قال له بعض من حضر : إن الشیخین اختلفنا اختلفا) فقال: و أنا اختلف باختلافها. قال أبو محمد فإذا قد بطل هذان الوجهان فلم یبق إلا الوجه الثالث و هو أخذ ما أجمعوا علیه و ليس ذلك إلا فیما أجمع علیه سائر الصحابة رضوان الله علیهم معهم و في تتبعهم سنن النبي صلی الله علیه و آله و سلم و القول بها و أيضاً فإن الرسول إذا أمر بتابع سنن الخلفاء الراشدين لا یخلو ضرورة من أحد وجهین : إما أن یكون أباح أن یستوا سنناً غیر سننه،

فهذا ما لا يقوله مسلم و من أجاز هذا فقد كفر و ارتد و حل دمه و ماله، لأنّ الدين كله إمّا واجب أو غير واجب و إما حرام و إما حلال لا قسم في الديانة غير هذه الاقسام أصلاً فمن أباح أن يكون للخلفاء الراشدين سنة لم يستنها رسول الله فقد أباح أن يحرموا شيئاً كان حلالاً على عهده إلى أن مات أو أن يحلوا شيئاً حرّمه رسول الله أو أن يوجبوا فريضة لم يوجبها رسول الله أو أن يسقطوا فريضة فرضها رسول الله و لم يسقطها إلى أن مات و كلّ هذه الوجوه من جوّز منها شيئاً فهو كافر مشر لا يجمع الأمة كلها بلا خلاف و بالله التوفيق فهذا الوجه قد بطل و الله الحمد و إما أن يكون أمر باتباعهم في اقتدائهم بسنته ، فهكذا نقول ليس يحتمل هذا الحديث وجهاً غير هذا أصلاً». الاحكام : ج 6، ص 805 - 806، الباب السادس و الثلاثون في إبطال التقليد

## پذیرش توسل و تبرک و محدود کردن دایره جواز

با توجه به مطالبی که درباره توسل و تبرک صحابه، تابعین، علما و عوام اهل سنت مطرح شده بود و مستندات و مدارک آن از منابع خود اهل سنت ارائه شده بود و چاره ای جز پذیرش آن به عنوان یک فرهنگ اسلامی نداشتند یکی از حاضرین در جلسه محدوده جواز این امور را تنگ تر کرده و از حضرت استاد پرسیدند: آیا تبرک و توسل در سیره خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وجود دارد؟

حضرت استاد در پاسخ به این سؤال فرمودند:

اولاً: بر اساس روایات و مبانی شما، همه صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، عادل هستند و اعمال، گفتار و رفتار همه صحابه، سند و حجت است. (1) چرا دنبال اثبات توسل و تبرک فقط در سیره خلفا هستید؟ با توجه به توسل صحابه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ با مسیلمه کذاب و ماجرای عثمان بن حنیف و تعلیم توسل به فردی که مشکل داشت و خلیفه سوم به او توجه نمی کرد و پناه بردن صحابه و تابعین به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و متوسل شدن به آن حضرت برای رهایی از شر حکومت زیاد بن ابیه، تبرک و توسل در سیره و روش صحابه وجود داشته و هیچ اشکالی ندارد و مشروع است. مگر این که همه صحابه را عادل ندانید و گفتار و رفتار آنان را حجت ندانید! که بعید می دانم چنین نظری داشته باشید.

ثانیاً: توسل و تبرک در سیره عملی خلفای پیامبر هم وجود دارد. خلیفه اول و خلیفه چهارم در همان لحظات اول رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آن حضرت متوسل شده اند. زینی دحلان از علمای بزرگ شافعیه می نویسد: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت، ابو بکر فوراً به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و پارچه و کفن را از روی صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کنار زد و خودش را روی

ص: 19

---

1- «أصحابي كالنجوم، فبأيهم اقتديتم اهتديتم». عمدة القاري شرح صحيح البخاري: ج 10، ص 202، كتاب الحج، أبواب العمرة، باب الاغتسال بالمحرم، شرح حديث 415. «الصحابة كلهم عدول». فتح الباري بشرح صحيح البخاري: ج 9، ص 548، كتاب الذبائح و الصيد، باب ذبيحة الامة و المرأة

بدن مطهر انداخت و آن حضرت را بوسید و شروع کرد به حرف زدن با پیکر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت! چه قدر پاک و پاکیزه زندگی کردی و پاک و مطهر از دنیا رفتی! ای رسول خدا! پیش پروردگارت ما را هم به خاطر داشته باش و فراموش مان نکن. (1)

حضرت علی علیه السلام خلیفه چهارم در نظر شما نیز همین کار را انجام داده و صورت روی صورت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گذاشت و فرمود: (بأبي أنت و أمي! أذكرنا عند ربك و اجعلنا من بالك). (2)

ثالثاً: علاوه بر سیره عملی خلفا خداوند نیز در قرآن کریم توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را جایز و مشروع شمرده و مسلمانان را به این امر مهم هدایت کرده می فرماید: (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا). (3) خداوند در این آیه به مسلمانان یاد می دهد که وقتی گناه کردند، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بروند و برای آمرزش گناهان شان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متوسل شوند.

پس از پاسخ های مستند و مستدل حضرت استاد به سؤال مطرح شده، کسی که سؤال را پرسیده بود، از روی ناشی گری و شاید هم از روی عناد و لجاجت پرسید: آیا از خلفای راشدین روایتی دال بر جواز توسل و تبرک نقل شده است؟

حضرت استاد در پاسخ این سؤال فرمودند: وقتی در سیره عملی خلفای راشدین توسل وجود دارد و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متوسل شده اند، چه اصراری بر وجود روایتی از آنان در این زمینه دارید؟ عمل و سیره عملی خلفای راشدین از گفتار و سخن آنان کم تر است.

### مقید و محدود کردن جواز توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

وقتی سخن به این جا رسید و سیره عملی خلفای راشدین نیز نشان دهنده جواز و مشروعیت توسل بود و جای هیچ گونه اعتراضی را باقی نگذاشت، یکی از حاضرین در جلسه که چاره ای جز پذیرش توسل به عنوان یک فرهنگ عام اسلامی نداشت، در صدد محدود تر و تنگ تر کردن دایره جواز و مشروعیت توسل

ص: 20

---

1- «لَمَّا تُوفِّيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ، فَكَشَفَ عَنْ وَجْهِهِ، ثُمَّ أَكَبَّ عَلَيْهِ فَقَبَّلَهُ وَقَالَ: بِأَبِي أَنْتَ وَآمِي! طِبْتَ حَيًّا وَ مَيِّتًا، أَذْكَرْنَا يَا مُحَمَّدُ عِنْدَ رَبِّكَ وَ لَنْكُنَّ بِأَلَيْكَ». الدَّرَرِ السَّنِّيَّةِ فِي الرَّدِّ عَلَى الْوَهَابِيَّةِ: ص 24

2- نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی): ص 334، خطبه 235

3- و اگر آنان هنگامی که با ارتکاب گناه به خود ستم کردند نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر هم برای آنان طلب آمرزش می کرد، یقیناً خدا را بسیار توبه پذیر و مهربان می یافتند سوره نساء (4)، آیه 64

بر آمده و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انسان ویژه و خاصی است و ما توسل به ایشان را می پذیریم، ولی اهل بیت او انسان های معمولی هستند و نمی شود به آنان تمسک جست.

حضرت استاد در پاسخ به این سؤال فرمودند:

اولاً: پس قبول داری که توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شرک نیست.

ثانیاً: چه کسی گفته توسل از اختصاصات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؟

ثالثاً: شما مشروعیت و جواز توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفتید، در حالی که ابن تیمیه و وهابیت ها همین مطلب را قبول ندارند و حتی توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را هم شرک می دانند. این توی در کتاب «زیارة القبور والاستنجاد بالمقبور» می گوید: هر کس نزد قبور انبیاء و صالحان برود و حوائجش را نزد آنان مطرح کند و حل مشکلاتش را از صاحبان قبور بخواهد مشرک است و باید توبه کند و الا باید کشته شود. (1)

و محمد بن عبد الوهاب در کتاب کشف الشبهات می گوید: هر کس از ملائکه انبیاء و اولیاء الهی طلب شفاعت کند و برای رسیدن به خدا و برآورده شدن حاجاتش، آنان را واسطه قرار دهد؛ کافر و مشرک است و خون و مالش حلال است. (2)

### مقید و محدود کردن جواز توسل به زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

جواب های حضرت استاد به پرسش های علمای اهل سنت، مستند و قانع کننده بود و به همه شک ها و تردید ها پایان می داد. یکی از حاضرین در جلسه به استدلال حضرت استاد به آیه ( وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ) برای جواز توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشکال گرفته و گفت: آیه و دستور مراجعه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مربوط به زمان حیات رسول خدا می باشد و ربطی به بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ندارد.

ص: 21

- 1- « مَنْ يَأْتِي إِلَى قَبْرِ نَبِيِّ أَوْ صَالِحٍ وَيَسْأَلُهُ حَاجَتَهُ وَيَسْتَنْجِدُهُ . . . فَهَذَا شِرْكٌ صَدْرِيحٌ ، يَجِبُ أَنْ يُسَدَّ تَتَابِ صَاحِبِهِ ، فَإِنْ تَابَ وَإِلَّا قُتِلَ » . زِيَارَةُ الْقُبُورِ وَ الْإِسْتِجَادَ بِالْمَقْبُورِ : ص 17 وَ 21 ، حُكْمُ مَنْ يَأْتِي إِلَى قَبْرِ نَبِيِّ أَوْ صَالِحٍ وَيَسْأَلُهُ وَيَسْتَنْجِدُ بِهِ
- 2- « وَأَنَّ فَصْدَهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْلِيَاءُ ، يُرِيدُونَ شَفَاعَتَهُمْ وَ التَّقَرُّبَ إِلَى اللَّهِ بِذَلِكَ ، هُوَ الَّذِي أَحَلَّ دِمَانَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ » . « مَنْ ظَنَّ أَنَّ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ وَسَائِطَ تَرْفَعُ إِلَيْهِمُ الْحَوَائِجُ ، فَقَدْ ظَنَّ بِاللَّهِ سُوءَ الظَّنِّ » وَ « إِنَّ مُحَمَّدًا لَمْ يُفَرِّقْ بَيْنَ مَنْ اعْتَقَدَ فِي الْأَصْنَامِ وَ مَنْ اعْتَقَدَ فِي الصَّالِحِينَ ، بَلْ قَاتَلَهُمْ كُلَّهُمْ وَ حُكْمُ بِكْفَرِهِمْ » ، « لَا يَصِحُّ دِينَ الْإِسْلَامِ إِلَّا بِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِالصِّلَحَاءِ وَ تَكْفِيرِهِمْ » ، « مِنْ عَبَدِ اللَّهَ لَيْلًا وَ نَهَارًا ، ثُمَّ دَعَا نَبِيًّا أَوْ وَلِيًّا عَدَدَ قَبْرِهِ ، فَقَدِ اتَّخَذَ إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ وَ لَمْ يَشْ هُدْ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، لِأَنَّ الْإِلَهَةَ الْمَدْعُوَّ » وَ « إِجْمَاعُ الْمَذَاهِبِ كُلُّهُمْ عَلَى مَنْ جَعَلَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ وَسَائِطَ يَدْعُوهُمْ أَنَّهُ كَافِرٌ مُرْتَدُّ حَلَالُ الْمَالِ وَ الدَّمِ » . مَجْمُوعُ مُؤَلَّفَاتِ الشَّيْخِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْوَهَّابِ : ج 1 ، ص 51 ، كَشْفُ الشُّبُهَاتِ

حضرت استاد در پاسخ به این سؤال و شبهه فرمودند:

اولاً: آیا اطلاق دارد و قرینه ای برای مقید کردن آن به زمان زنده بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وجود ندارد.

ثانیاً: اگر گفتید آیه مختص زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، باید آیه را کنار بگذارید و بگویید قرآن مربوط به زمان خاصی است، آیا به لوازم حرفتان پایبند هستید؟

ثالثاً: در ذیل همین آیه، ماجرای از امام مالک نقل شده است که با سخن شما منافات دارد و نشان می دهد که صحابه و تابعین آیه و مراجعه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مقید و مختص به زمان حیات آن حضرت ندانسته اند.

منصور دوانیقی یکی از خلفای عباسی از امام مالک پرسید: هنگامی که در مسجد النبی و کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستیم، رو به قبله بایستم و دعا کنم یا رو به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؟

مالک در جواب منصور دوانیقی آیه ( وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ) را خواند و گفت: چرا می خواهی صورتت را از قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برگردانی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز قیامت، واسطه و وسیله تو و حضرت آدم علیه السلام (همه انسان ها) با خدا ست. در مقابل قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایستاده و در حالی که صورتت به سمت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را شفیع و واسطه شفاعت قرار بده، خداوند نیز حتما شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را خواهد پذیرفت. (1)

رابعاً: وقتی آیات قرآن کریم (2) شهداء را زنده معرفی می کند، و با توجه به برتری مقام نبوت بر مقام شهادت، انبیاء به طریق اولی زنده هستند.

خامساً: وقتی درخواست از غیر خدا شرک باشد، فرقی بین زنده و مرده نیست و درخواست از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات هم شرک خواهد بود.

## مقید کردن جواز توسل و تبرک برای امور اخروی

علمای اهل سنت حاضر در جلسه برای زیر سؤال بردن آموزه و فرهنگ توسل، همچون شخصی که در حال غرق شدن است و برای نجات یافتن به هر وسیله ای دست می اندازد، هر چه در توان داشتند، تلاش

ص: 22

- 1- « يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! اسْتَقْبِلِ الْبَيْتَةَ وَ ادْعُو، أَمْ اسْتَقْبِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ؟ فَقَالَ: وَ لَمْ تَصْرِفْ وَ جِهَكَ عَنْهُ وَ هُوَ وَسِيلَتِكَ وَ وَسِيلَةُ أَبِيكَ آدَمَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بَلْ اسْتَقْبَلَهُ وَ اسْتَشْفَعَ بِهِ فِشْفَعِكَ اللَّهُ»، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ( وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ). شِفَاءُ السَّقَامِ فِي زِيَارَةِ خَيْرِ الْأَنْامِ عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَ السَّلَامِ: ص 163 وَ الْعُدْبِيرِ فِي الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ وَ الْأَدَبِ: ج 5، ص 200. بِهِ نَقَلَ أَنَّ الشَّفَاءَ بِتَعْرِيفِ حُقُوقِ الْمُصْطَفَى: ج 2، ص 92
- 2- ( وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ). سورة آل عمران (3)، آیه 169

کردند و هر توجهی و تأویلی به ذهن شان می رسید، مطرح کردند، اما راه به جایی نبرده و ضمن اعتراف به مشروعیت و جواز توسل، آخرین تیر خود را نیز در تاریکی رها کرده و گفتند: ما قبول کردیم که خلفا اموری مانند تبرک و توسل را انجام می دادند، ولی این کارها برای امور اخروی شان بود! نه امور دنیوی! و در ضمن ما همه سخنان وهابیت را تصدیق نمی کنیم.

حضرت استاد در پاسخ به سوال مطرح شده، ماجرای عثمان بن حنیف و فرد گرفتار را که طبرانی نقل کرده بود، یاد آوری کرده و فرمودند: آن شخص برای امور دنیوی و رفع مشکلات دنیوی سراغ خلیفه می رفت، ولی به دربار خلیفه راه نمی دادند و عثمان بن حنیف صحابی توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را برای رسیدن به خدمت خلیفه و رفع مشکلات دنیوی به او یاد داد، نه برای امور اخروی.

علاوه بر ماجرای عثمان بن حنیف و شخص گرفتار که نشان می دهد توسل برای امور دنیوی جایز است، حتی اگر بپذیریم که توسل تنها برای امور اخروی جایز باشد، باز هم مسلمانان با وهابی ها مشکل خواهند داشت، زیرا وهابیت توسل در امور اخروی را هم نمی پذیرد و آن را حرام می داند.

حضرت استاد باز هم به مشکلات امروز دنیای اسلام اشاره کرده و فرمودند: امروز برخی از مسلمانان به خاطر همین عقائد در معرض کشته شدن هستند؛ شما اعلام کردید که وهابیت اشتباه می کند؛ شجاع باشید و بگویید که وهابیت اشتباه می کنند و راه سلف را دنبال نمی کنند.

## تغییر مسیر بحث توسط یکی از حاضران

یکی از حاضرین در جلسه موضوع بحث را عوض کرد و پرسید: آیا درست است که حضرت علی علیه السلام درباره خوارج می فرمایند آنان برادران ما هستند؟

با مطرح شدن این سؤال به نظر می رسید مناظره و مباحثه درباره زیارت قبور، تبرک و توسل به پایان رسیده و به همه شبهات و سؤالات علمای اهل سنت پاسخ داده شده است. حضرت استاد درباره سؤال مطرح شده، فرمودند: سخنانی در این باره به حضرت علی علیه السلام نسبت داده شده است که جای تأمل و بررسی سند دارد، اما بعید می دانم صحت داشته باشد. بر اساس روایتی که ابن ماجه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کرده، خوارج سگ های جهنم هستند (1) و سگ نمی تواند برادر خلیفه مسلمانان باشد.

با توجه به قرار قبلی که مقرر شده بود دیداری یک ساعته با حضرت استاد داشته باشند، اما حدود یک ساعت و چهل و پنج دقیقه از زمان شروع جلسه می گذشت و دقایقی از وقت مغرب و اذان گذشته بود و

ص: 23

---

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: (الخوارج كلاب النار). سنن ابن ماجه: ج 1، ص 61، المقدمة، باب 12، ح 173

هنوز جلسه خاتمه پیدا نکرده بود. بارها در دیدارهای حضرت استاد با علمای اهل سنت مشاهده کرده بودم که وقتی اذان گفته می شد، برخی از حاضرین در جلسات بدون توجه به ادامه جلسه، بلند می شدند و در گوشه ای به تنهایی نمازشان را می خواندند، اما این بار به دلیل جذابیت بحث و علمی رغم اصرار حضرت استاد بر اتمام بحث و ادای نماز در اول وقت، همه حاضرین مجذوب بحث شده و از پاسخ های مستند و مستدل حضرت استاد استفاده می کردند و راضی به اتمام جلسه نبودند.

حضرت استاد با یادآوری مشترکات فراوان شیعه و سنی و با استناد به سخنان حضرت آیت الله العظمی سید ابو القاسم خوئی که می فرماید: «احکام مشترک و مورد اتفاق و قبول طرفین، میان شیعه و سنی بسیار زیاد است» (1) و با توجه به فرمایش مرحوم زنجانی که می فرماید: «در فروع دین و احکام، فتاوی فقهای شیعه بالاخره با یکی از فرق چهارگانه اهل سنت موافق است و این گونه نیست که با فتاوی همه فرق اهل سنت مخالف باشد» (2) این دو گروه را برادران هم معرفی کرده و وهابیت را مشکل و دشمن مشترک همه مسلمانان (شیعه و سنی) دانسته و در راستای تأیید نظریه و دیدگاه شان به سخنان ابن عابدین یکی از علمای حنفیه استناد کرده و فرمودند: ابن عابدین می گوید: و هابی ها خوارج زمان ما هستند، آنان همه اهل سنت را کافر می دانند و خون علمای شان و خون تمام مسلمین را مباح می دانند».

(3)

## خاتمه بحث و مناظره

حضرت استاد در پایان جلسه به جمع بندی مباحث خودشان پرداخته و فرمودند: همه سخن من در دو نکته خلاصه می شود.

### نکته اول:

انحراف وهابیت از خط سلف چرا که سلف، تبرک و توسل داشتند، ولی الآن این گونه موارد حرام است و شرک شمرده می شود.

### نکته دوم:

ص: 24

1- «لَا نَ الْأَحْكَامَ الْمُتَّفَقَ عَلَيْهَا بَيْنَ الْفَرِيقَيْنِ كَثِيرَةٌ فِي نَفْسِهَا». مَصَدِّحُ الْأُصُولِ : ج 3 ، ص 419 ، التَّعَادُلِ وَ التَّرْجِيحِ ، لُزُومُ رِعَايَةِ التَّرْتِيبِ بَيْنَ الْمَرْجَّحَاتِ وَ عَدَمِهِ

2- وَ أَمَّا فِي فُرُوعِ الدِّينِ فَلَا يُوجَدُ رَأْيٌ وَاحِدٌ فِي الْفُرُوعِ عِنْدَ الشُّبُعَةِ يَكُونُ مُخَالَفًا لِجَمِيعِ الْمَذَاهِبِ الْأَرْبَعَةِ السَّنِّيَّةِ بِأَسَرِّهَا . رَحَلَتْ الْإِمَامِ الرَّزَّجَانِي : ص 39

3- كَمَا وَقَعَ فِي زَمَانِنَا فِي اتِّبَاعِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ نَجْدٍ وَ تَغَلَّبُوا عَلَى الْحَرَمَيْنِ وَ كَانُوا يَنْتَحِلُونَ مَذْهَبَ الْحَنَابِلَةِ ، لَكِنَّهُمْ اعْتَقَدُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْمُسْلِمُونَ وَ أَنَّ مَنْ خَالَفَ اعْتِقَادَهُمْ مُشْرِكٌ وَ اسْتَبَاحُوا بِذَلِكَ قَتْلَ أَهْلِ الشُّرَّةِ وَ قَتَلَ عُلَمَائِهِمْ ، حَتَّى كَسَرَ اللَّهُ تَعَالَى شَوْكَهُمْ وَ خَرَّبَ بِلَا دِهِمْ وَ ظَفَرَ عَسَاكِرَ الْمُسْلِمِينَ . بِهِمْ عَامٌ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثِينَ وَ مِائَتَيْنِ وَ أَلْفٍ . رَدُّ الْمُحْتَارِ عَلَى الدَّرِّ الْمُخْتَارِ : ج 6 ، ص 413 ، كِتَابُ الْجِهَادِ ، بَابُ الْبُغَاةِ ، مَطْلَبٌ فِي اتِّبَاعِ عَبْدِ الْوَهَّابِ الْخَوَارِجِ فِي زَمَانِنَا



انحراف مسلمانان از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، پیامبری که فرمودند: من دو چین گران بها در میان شما به یادگار می گذارم که اگر به آن دو چنگ بزند گمراه نمی شوید.

حسن بلقان آبادی

مؤسسه ولاء صدیقه کبری علیها السلام

سوم محرم 1437 قمری

1394/7/25 شمسی

ص: 25

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه

1. الاحکام في أصول الاحکام، ابن حزم (متوفای 456 هجری)، مطبعة العاصمة، قاهرة، مصر. نرم افزار مکتبه اهل بیت.
2. تاريخ الأمم و الملوك، معروف به تاريخ طبرى، أبو جعفر محمد بن جرير طبرى (22 - 310 قمری)، دار الكتب العلمیّة، چاپ دوم، 1408، قمری بیروت، لبنان، (6 جلدی).
3. الثقات، ابن حبان، ابو حاتم محمد بن حبان تمیمی بستی شافعی، متوفای 354 قمری، دائرة المعارف العثمانیة، چاپ اول، 1393، قمری حیدرآباد هند (9 جلدی).
4. الجامع صحیح معروف به سنن ترمذی، أبو عیسی محمد بن عیسی بن سورة بن موسى ترمذی (209 - 279 قمری)، دار ابن الجوزی، قاهره، مصر.
5. الدرر السنیة فی الردّ علی الوهابیة، زینی دحلان، احمد بن زینی دحلان شافعی (1232-1304 قمری)، بی تا، بی جا.
6. رحلة الامام الزنجانی، بی تا، بی جا.
7. ردّ المحتار علی الدر المختار، محمد امین، ابن عابدین، دار الكتب العلمیة چاپ سوم 2011 میلادی، بیروت، لبنان.
8. زیارة القبور و الإستنجد بالمقبور، ابن تیمیّه أبو العباس تقی الدین أحمد بن عبد الحلیم (متوفای 728 قمری).
9. سبل السلام، محمد بن اسماعیل کحلانی (1059-1182 هجری)، دار إحياء التراث العربی، چاپ چهارم 1379 هجری، بیروت، لبنان.
10. سنن ابن ماجه، ابن ماجه قزوینی (207-275 قمری) دار الفكر، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بی تا، (2 جلدی).

11. سنن أبي داود، ابو داود سجستاني (متوفى 275 قمرى) دار ابن الجوزي، چاپ اول 2011 ميلادى، قاهره، مصر.
12. سير أعلام النبلاء، شمس الدين ذهبى، محمد بن احمد (673-748 قمرى)، مؤسسة الرسالة، محقق: شعيب الأرنؤوط و محمد نعيم العرقسوقى، چاپ يازدهم، 1417، قمرى، بيروت، لبنان، (25 جلدى).
13. شفاء السقام في زيارة خير الأنام عليه أفضل الصلاة و السلام، سُبكى، تقي الدين علي بن عبد الكافي (683-756 قمرى) محقق سيد محمد رضا حسيني جلالى، چاپ چهارم، 1419 قمرى.
14. صحيح البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (متوفى 256 قمرى)، چاپ دوم، دار الآفاق العربية، قاهره مصر.
15. صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى (2016 - 261 قمرى)، دار المعرفة، چاپ دوم 1428 قمرى، بيروت، لبنان.
16. طبقات الشافعية الكبرى، سبكى، عبد الوهاب بن علي، (727-771 قمرى)، دار احياء الكتب العربية، محقق: محمود محمد الطناحي و عبد الفتاح محمد الحلو، بى تا، (10 جلدى).
17. عمدة القاري شرح صحيح البخاري، عيني محمود بن احمد (متوفى 855 قمرى)، دار احياء التراث العربي، بيروت، لبنان.
18. الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، علامه امينى، عبد الحسين احمد، مركز الغدير للدراسات الإسلاميه، چاپ اول 1416 قمرى، قم، ايران، (12 جلدى).
19. فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية و الإفتاء، جمع و ترتيب الشيخ أحمد بن عبد الرزاق الدويش، دار العاصمة، چاپ سوم 1419 قمرى، رياض، عربستان.
20. فتح الباري بشرح صحيح البخاري، علي بن حجر العسقلاني (773 - 1852 قمرى)، چاپ اول 1407، قمرى دار الريان للتراث، قاهره مصر .
21. مجموع مؤلفات الشيخ محمد بن عبد الوهاب (1115-1206 قمرى )، محقق رائد بن صبري بن أبي علفة.
22. مروج الذهب و معادن الجواهر، مسعودى، ابو الحسن على بن حسين بغدادى شافعى، متوفى 346 قمرى، دار الكتب العلميه، محقق دكتور مفيد محمد قميه، چاپ اول، بيروت، لبنان، (4 جلدى).

23. المسند، أحمد بن محمد بن حنبل (164 - 241 قمری)، دار صادر، بیروت، لبنان، (6 جلدی).

24. مصباح الأصول، سید ابو القاسم خوئی، مطبعة النجف، 1376 قمری، نجف، عراق.

25. المعجم الكبير، طبرانی حنبلی ابو القاسم سليمان بن احمد (260 - 360 قمری)، دار إحياء التراث العربي، محقق حمدي عبد المجيد سلفی، چاپ دوم، (25 جلدی).

26. المنهاج في شرح صحيح مسلم بن الحجاج، يحيى بن شرف النووي (631-676 قمری)، المكتبة العصرية، صيدا، بيروت، لبنان.

27. وهابيت از منظر عقل و شرع، حسيری قزویری، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر علیه السلام، چاپ سوم، خرداد 1378 شمسی، قم، ایران.

28. هدي الساري مقدمة فتح الباري، علي بن حجر العسقلاني (773 - 852)، چاپ اول، 1407 قمری، دار الريان للتراث، قاهره مصر.

ص: 28

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

